

میداننداری تقی‌زاده‌ها و میرزا ملک‌خانها پس از انقلاب مشروطه و بروز و ظهور رضاخان میرپنج و تاخت و تازهای مستبدانه وی و همچنین کودتای ارتشبد زاهدی جهت تثبیت موقعیت محمدرضا خان این مهره بی‌اراده آمریکا برای سلطه مجدد امپریالیزم غرب در ردیف سلسله توطئه‌های حساب شده استکبار جهانی است. در يك نگاه - اگرچه کوتاه - بعنوان نمونه عبدالناصر و آن‌همه شعار و اعتراض او علیه بیگانگان، اخراج انگلستان و ملی کردن کانال سوئز و بنیانگذاری سازمان کشورهای غیر متعهد با بطوریکه قاهره پایگاه انقلابیون و الهام‌بخش همه حرکت‌های ضد استعماری منطقه شده بود و نگاه دیگر به مصر انورسادات معدوم و رفتن به بیت‌المقدس و فشردن دست دایان و بگین و درغلطیدن تمام‌عیار بدامن آمریکا این حقیقت را روشن می‌سازد که آمریکا و بطور کلی جهانخواران را اگر از دربرانی از پنجره وارد میشوند. برای اینکار در توبره خود مهره‌های لازم را در اشکال گوناگون در اختیار دارد و در موقع مقرر آنها را بکار خواهد گرفت. گاهی دخالت بی‌پروا و مستقیم در امور داخلی کشور دیگر راه حل بشمار می‌آید. اتحاد شوروی را نگاه کنید که در افغانستان چه میکند؟ و چگونه کشور مستقل و آزادی را آلت دست خود قرار داده است! کار بجائی رسید که براحتی آب خوردن مهره‌ای را که خود با کودتا بر سر کار آورده بر میدارد و مهره دیگری را می‌گمارد اگر از این حفیظ‌الله‌امین خوشش نیامد نورمحمد ترکی و اگر از این خوشش نیامد، بېرك کارمل. اگر از این یکی هم رنجیده خاطر شد يك دلّلق دیگر، مهره که کم نیست.

می‌بینید که استثمار برای خود منطبق و زبان مخصوص دارد که اگر فهمیدی باریک‌الله و اگر نفهمیدی بزور تفهیمت میکنند و اگر مقاومت کردی هزاران انگ بر پیشانی‌ات می‌چسبانند: کاپیتالیستهای غربی وحشی و مخالف تمدنت میخوانند و سوسیالیستهای شرقی به مدال ارتجاع و ضد خلق مفتخرت میکنند! بنابراین حق میدهند همه کسانی که به شکلی در ایران دارای منافع غارتگرانه بودند از انقلاب و اتخاذ مواضع اصولی

آن برنجند، و برای بزانو درآوردن این نهضت از هر آنچه که در توان آنهاست بهره گیرند.

پرواضح است که آمریکا و سایر غارتگران جهانی در راس همه مارهای رنگارنگ و خوش خط و خالی که در آستین دارند، از تجهیزات و تحریک گروههای چپ آمریکائی حداکثر استفاده را مینمایند. به همین دلیل انقلاب اسلامی ایران از بدو پیدایش خود با کارشکنی شدید و تقابل خصمانه عده‌ای روبرو شد که سرسپردگی و وابستگی سران آنها به قدرتهای جهانی بوضوح مشهود بود و هیچ زبانی را به جز زبان زور نمی فهمیدند. بعقیده من حادثه‌ای که در آمل اتفاق افتاده از سلسله اقدامات زنجیره‌ای ضد انقلاب در ایران بود که نظیر و نمونه آنرا قبلا در کردستان و خوزستان و ترکمن صحرا مشاهده کرده بودیم.

ما همگی را پشت و روی یک سکه و سروه یک کرباس میدانیم!! یعنی این دست استکبار جهانی است که این عروسکها را علیه انقلاب و مردم كوك میکند، خواه مستکبر چپ و خواه مستکبر راست، فرقی نمی کند. اما علت دوم یعنی آزادی بیحد و حصر و حساب نشده. باید اذعان کنم که مسئولین جمهوری اسلامی در ابتدای پیروزی در جلوگیری از هرج و مرج، تحت تاثیر بعضی از مسائل و جریانات قاطعانه و حساب شده عمل نکردند. در کجای دنیا و در کدام انقلاب اجازه داده شد که گروههای مخالف هر چه دلشان میخواست بگویند و بنویسند و در تمامی شهرها و روستاها دفتر و تشکیلات براه اندازند و اطاق دانشگاهها و مدارس و ادارات را اشغال کنند و تنها در دانشگاه تهران ۱۶۰ اطاق را به اطاق جنگ مبدل سازند؟ به نظر من این شیوه که به گروههای مخالف آزادی بیحد و حصر داده شود نه انقلابی بوده است و نه اسلامی. البته این بدان معنی نیست که ما معتقد باشیم باید دهانها را بست و قلمها را شکست. خیر برخورد منطقی آراء و اندیشه‌های گوناگون یقینا موجب رشد و تعالی جوامع بشری است، ولی آزادی بیان و قلم چیزی است و سوء استفاده از این آزادی جهت سرنگونی و براندازی نظام جمهوری اسلامی چیزی دیگر.

وقتی آزادی قلم و بیان به ابتذال کشیده شود جامعه به سرعت به آنارشیسم رو می‌آورد و هرج و مرج آنچنان ابعاد گسترده‌ای مییابد که دیگر هیچکس جلودارش نخواهد بود. این میان چه کسی است که ادعا کند بر خورد گروهها با حاکمیت جمهوری اسلامی خواه در عرصه مطبوعات و خواه در زمینه سخنرانی و اجتماعات برخوردار معقول و منطقی بوده‌است؟! هتاکیه‌ها و اهانت‌های ورق پاره‌های منتشره از سوی گروهها که عمدتاً توسط جارچی‌های عوضی بر سر چهار راه و میدان هوار کشیده میشد اعصاب هر بیننده و شنوندهٔ مسلمان را به این لحاظ که رکیک‌ترین فحش را به اصلیت‌ترین عناصر این انقلاب میدادند جریحه‌دار میکرد. هر کس که اندک قدرتی از تحلیل و تبیین مسائل میداشت در همان نگاه اول به اوضاع کوچه و خیابان درمی‌یافت که این کشور آستن حوادثی است که دیر یا زود مولود آن‌ها بعرصه وجود خواهد گذاشت.

بنابراین لازمه طبیعی آن همه آزادی بی‌بند و بارانه، پیدایش تروریسم کوری است که در ابعاد و اشکال گوناگونش گاهی خانم خانه‌دار را و زمانی بسیجی را و وقتی هم بقال و قصاب و کسبه جزء را ترور میکند و وقتی هم که خواست کار خیلی بزرگی انجام دهد نیمه‌شب ششم بهمن سال ۶۰ به شهر آمل حمله میکند و شهروندان بی‌گناه و افراد غیر نظامی را آماج گلوله‌های خود قرار میدهد.

س ۲- ارزیابی مسئولین نسبت به نیروی ضد انقلاب در جنگل چیست؟  
ج - این آقایان که گویا از اتحادیه کمونیستهای ایران بودند (البته همانطوریکه اشاره شد همه سر و ته یک کرباسند) برای خود تحلیلهای آبکی وارداتی داشتند که مقیاس عمل آنان قرار گرفت. اینها یک حادثه‌ای که فی‌المثل در آمریکای مرکزی اتفاق می‌افتد بی‌آنکه شرائط و موقعیت آنجا را با ایران بسنجند و عوامل و موقعیت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی دو نقطه را تفکیک و تبیین کنند، همان حادثه را در همان شکل و ماهیت با کلیه مقدمات و مقارناتش در ایران قابل عمل و اجرا میدانند، که این یک کاسگی معلول جزمیت فلسفه حزبی است که براندیشه آنان حاکمیت

دارد. مثلاً در کتابها خواندند که فلان گروه مارکسیست برای رهایی کشورش ابتدا از جنگل شروع و جنگل را مرکز عملیات پارتیزانی خود قرار داد و بعداً به شهر آمد و مورد استقبال مردم قرار گرفت و حکومت سقوط کرد. نظیر آنچه غرب گرایان و لیبرالها برای مبارزه با رژیم شاه مبارزات پارلمانی و انتخابات آزاد و کنترل تدریجی مراکز قدرت و اشغال پستها توسط اپوزسیون را مطرح میکردند.

حالا این تز و دکترین در ایران قابلیت عمل و اجرا دارد و یا ندارد به این زبان بسته‌ها ربطی ندارد آیا فرهنگ و مذهب مردم چه عامل تحرکی است و چقدر مقاومت ایجاد میکند و آیا اصولاً با بافتهای سیاسی - اجتماعی این مردم اینگونه کارها سازگار است یا نیست به گروهها مربوط نیست جزمیت فلسفه حزبی حکم میکند که این کار باید انجام گیرد.

به او گفتند که باید حمله کنی او هم باید چشم و گوش بسته اجرا کند. بعقیده من نظام جمهوری اسلامی ایران با بافتنی که دارد و با پشتوانه عظیم مردمی که به همراه آن است و با سهم بزرگی که خود مردم بخصوص مردم بخشها و روستاها در پیدایش آن داشتند هرگز از ادا و اطوار پارتیزان - مآبانه چند نفر آسیب نمی بیند. نه تنها آسیب نمی بیند بلکه بر قوام و دوام آن نیز افزوده میشود.

بسیار مضحك است که مارکسیسم در ایران از فرط عجله و دست پاچگی اصول و معیارهای خود را نیز مثل همه جای دیگر زیر پا گذاشت از قبیل افغانستان که یک شبه بزور سرنیزه ارتش سرخ دو مرحله از مراحل پنج گانه تاریخی را که هر کدامشان حداقل دو بیست سال وقت لازم دارد (بعقیده مارکسیستها) پشت سر گذاشت و بمرحله کمونیستی ارتقاء درجه داد و منتظر پیدایش شرایط تاریخی آن نماند.

آخر مگر نه اینست که طبق تعلیمات مارکسیستی چریک وقتی میتواند وارد عمل شود که اگر چریک را ماهی فرض کنیم جامعه برای او بمنزله دریا باشد و براحتی دریا در متن و بطن خود ماهی را جای دهد آیا بهراستی جامعه ایرانی و بخصوص شهر آمل برای مهاجمین بصورت دریا

برای ماهی بود؟ آیا مردم از تروریستها حمایت و حفاظت میکنند؟ جواب این سئوالها را مردم آمل دادند.

البته با توجه به اینکه جنگل دارای پوشش طبیعی است ممکن است همواره چند عنصر فراری را در خود جای دهد. اما خزیدن چند نفر در عمق جنگل بهیچ وجه خطری برای نظام جمهوری اسلامی نبوده و نیست. ضمن اینکه برادران سپاه هوشیاری و مراقبت خود را بیشتر و بیشتر خواهند نمود.

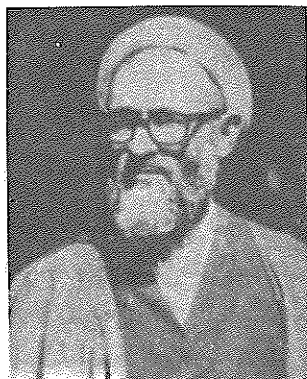
س ۳- واکنش مردم در این حادثه به چه شکل بوده است؟

ج - همانطور که گفتم اشتباه این آقایان در این بود که ایران را نظیر کوبا تصور کردند و بدنبال این قیاس باطل بود که مرتکب آن جنایت شدند.

آنها در تحلیلهای خود میگفتند که مردم در حالت انفجار به سر میبرند و منتظر يك جرعه هستند و این باید توسط يك گروه پیشتاز ایجاد شود. آن وقت این خود مردمند که دمار از روزگار رژیم در خواهند آورد. شبیه آنچه که در کوبا و نیکاراگوئه گذشت. ولی از قیاسش خنده آمد خلق را. تمام تحلیلهای پندارهای آنان آنوقت اشتباه از آب درآمد که با همان اندیشه و پندار شبانه وارد شهر شده و به بعضی از مراکز حمله کردند. حضور گسترده مردم در عرصه نبرد فعالیت همه جانبه اقشار گوناگون مردم در سرکوبی ضد انقلاب، مجال اندیشه را از آنان گرفت. از طرفی برای مسئولین که مردم را اینگونه در صحنه می دیدند غرور آفرین بود.

طبقات مستضعف و بخصوص روستائیان بیشترین همت را بخرج دادند و چنان مشت محکمی بردهان گروهکها زدند که قدرت نفس کشیدن را از آنان گرفت. جا دارد همینجا از اراده و تصمیم آهنین آنان در سرکوبی مخالفین تشکر و قدردانی کنم بهر حال ضد انقلاب در این ماجرا بیش از هفتاد نفر از بهترین نیروهای خود را از دست داد و این میتواند برای گروهک اتحادیه کمونیستهای ایران بمنزله يك خودکشی باشد. چون جذب نیرو و شکار افراد برای این گروه کار بسیار دشواری است و بزحمت

میتواند اینجا و آنجا چند نفر را فریب دهد.  
در چنین شرائط دشواری از دست دادن بیش از ۷۰ نفر از افراد رده  
بالا ضربه مهلکی بر پیکر گروه بحساب میآید. بهر حال آنچه که افتخار آمیز  
است، اتحاد و اتفاق مردم با حکومت است که مردم ما گوشه‌ای از آن را در  
درگیری با عناصر جنگلی در مقابل چشم جهانیان بنمایش گذاشتند و با  
قطره قطره خون خود اثبات کردند که ضد انقلاب در میان مردم پایگاهی  
ندارد.



پیام آیتا... حسن زاده آملی به مردم آمل

بسمه تعالی شانه

یا ایها النبی جاهد الکفار والمنافقین واغلظ علیهم وماویهم جهنم  
وئس المصیر «قرآن کریم سوره براءه آیه ۷۳»  
ای بیغمبر با کفار و منافقین جهاد کن، و بر آنان سخت بگیر، و جایشان  
جهنم است، و بدجای بازگشتی است.

حضور شریف برادران و خواهران مسلمان متعهد و انقلابی شهرستان  
آمل ایده‌م‌الله تعالی

با تقدیم سلام، سالیانی در شبهای ماه مبارک رمضان از خداوند متعال  
مسئلت می نمودم که: اللهم انا نرغب الیک فی دولة کریمه تعزیه الاسلام واهله،  
و نذل به النفاق واهله، و تجعلنا فیها من الدعاه الی طاعتک والقاده الی  
سبیلک، و ترزقنا بها کرامه الدنیا والاخره.

الحمد لله که این دولت کریمه را با گرانقدرترین بها یعنی با خون  
شهیدان عزیز خودتان بدست آورده‌اید. در این دولت کریمه با حول و  
مشیت الهی اسلام عزیز و اهل آن از جان نثاری و فداکاری شما باید عزیزتر  
گردد، و نفاق ذلیل و اهل آن ذلیل‌تر.

شما همان مسلمانان غیور و شجاعی هستید که در زمان بحران و شدت  
مبارزه با طاغوت، اولین بار در ایران آن روز اعلام جمهوری اسلامی  
نموده‌اید و اختیار شهر خودتان را بدست گرفتید. اینک افرادی اشباح

رجال ولارجال، دشمنان مجدد و عزت مسلمانان، سودای خام برسر پروراندند و اراجیف و اکاذیب پراکندند، و چنین بهتان و افترای بزرگ را روا داشتند که مردم مازندران بخصوص آمل که مدخل و دروازه استان مازندران است پشتیبان و همدست ما هستند. مگر همین مدعیان نبودند که مسلحانه در نصف شب ششم بهمن ماه ۶۰ از چند جای شهر آمل بمردم مسلمان بی اطلاع و بی سلاح این شهر به ناگاه هجوم آوردند و حمله کرده و چند جای شهر را به آتش کشیده و در حدود چهل نفر از مردم مسلمان کاسب و کشاورز شرافتمند ما را شهید کردند. بیش از صد و بیست نفر تیر خورده و زخمی، از بهترین جوانان انقلابی ما در بیمارستانهای چند شهر مازندران بهتری شده و معلول و زمین گیر گردیدند.

آفرین بر شمائی که فقط با سلاح ایمان در مقابل آنان قیام کردید، چنانکه به آنان مهلت ندادید که در دارالمومنین «شهرستان آمل» نفس تازه کنند. عده ای از آنانرا به کیفرشان رسانده و عده ای را دستگیر و خلع سلاح کردید، شما بی سلاح و آنان مسلح، شما در پناه خدای عزوجل و آنان در پناه جنگل.

شما از این مشت محکمی که چون پتک پولادین بر دهن مهاجمان زدید خدا و پیغمبر را از خود خشنود کردید، قلب قطب عالم امکان حضرت بقیة الله و تتمه النبوه امام زمان مهدی موعود ارواحنا له الفداء و خاطر شریف مرجع عالیقدر رهبر کبیر انقلاب شکوهمند اسلامی ایران آیت الله العظمی جناب امام خمینی و سایر مراجع عظام و علمای اعلام و مسلمانان، و مومنان و مجاهدان جبهه های جنگ تحمیلی صدامیان و ارواح شهدا را شاد کرده اید. شما حوزه علمیه را خوشحال کرده اید جزا کم الله خیرا.

در روز دفن پیکرهای پاک شهیدان عزیزتان، و روز هفت برگراری مراسم و بزرگداشت آن ارواح طیبه دیدید که بدون استثناء از تمام شهرستانهای استان مازندران، از همه اصناف و طبقات مردم مسلمان، متعهد و انقلابی، در آمل گرد آمده بودند که چشم آمل چنان جمعیت عظیم راهر گر ندیده بود. این مردم شریف از سرتاسر استان مازندران در آن روزهای



تاریخی دشمن‌شکن برای ابراز همدینی به مردم آمل تشریف آوردند تا به مزدوران آمریکائی بفهمانند که همه‌جای مازندران آمل است و همه مردم این استان مثل دیگر استانهای این کشور اسلامی حافظ قرآن و حافظانقلاب عظیم اسلامی‌اند.

این طلبه دعاگوی شما از عهده تقدیر و تشکر جهاد بیدریغ شما در راه دین، عاجز است. خداوند متعال به همه شما صبر و اجر مرحمت بفرماید و همه ارگانهای اسلامی را در راه اعتلای کلمه طیبه لااله الاالله بیش از پیش مظفر و منصور بدارد.

ان تنصروا الله ینصرکم و یثبت اقدامکم. والسلام علیکم ورحمةالله

و برکاته . سه‌شنبه هفتم ربیع‌الثانی ۱۳۰۲ ه . ق

۱۳ بهمن‌ماه ۱۳۶۰ ه . ش - قم حسن حسن‌زاده آملی



مصاحبه با آیت... جوادی آملی پیرامون حمله ضد انقلاب به شهر آمل و نقش مردم

س ۱- نظر تان را در رابطه با حمله ضد انقلاب در ۶ بهمن ۶۰ بشهر آمل بفرمائید؟

ج - اعدو بالله من الشيطان الرجيم ، بسم... الرحمن الرحيم  
انقلاب اسلامی ایران اختصاصی بهیچ گروه و قومی ندارد و چون از قوم و تژادی برنخواستہ مردم شمال عموماً، و مردم آمل خصوصاً، خود را در این انقلاب سهیم دانسته و میدانند که باید پاسدار خون شهدای از صدر اسلام تا زمان انقلاب اسلامی باشند.

ضد انقلابیون قبل از جریان کردستان شمال را مطرح کرده بودند زیرا فکر میکردند که اگر غرب برود باید شرق بیاید و بهترین جا برای ارتباط با شرق شمال بوده لذا در اسفندماه سال ۵۷ گنبد را و مسلمانان متدین و متعهد این شهر را به آتش و خون کشیدند. با حضور يك پارچه مردم در صحنه موضوع خاتمه دادند.

بنابراین فکر کردند که این چنین نمی‌توانند در شهر علنا بر روی مردم سلاح بکشند، ناچار از جنگلهائی که در شمال و در دامنه سلسله جبال البرز واقع شده بعنوان پناهگاه و منطقه عملیاتی انتخاب کردند. بهترین نیروها و نیرومندترین قوا را از سراسر کشور در جنگل آماده کرده و مهمترین سلاحهائی را که يك جنگلی باید به همراه داشته باشد را تهیه